

عناصر داستانی

در چند متن فارسی میانه

سیده فاطمه موسوی

www.ketab.ir



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

تهران، ۱۳۹۰

سرشناسه: موسوی. بیده فاطمه، ۱۳۶۳-
عنوان و نام پدیدآور: عناصر داستان در چند متن فارسی میانه/ بیده فاطمه موسوی.
مشخصات نشر: تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، ۱۳۹۰.
مشخصات ظاهری: ۱۴۲ص.
فروست: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی: ۳۷.
شابک: ۵۱۷-۴-۹۶۴-۴۲۶-۹۷۸-۹
وضعیت فهرست نویسی: فیا.
یادداشت: واژه نامه کتابنامه نمایه
موضوع: ادبیات پهلوی- تاریخ و نقد
موضوع: داستان های فارسی- تاریخ و نقد
شناسه افزوده: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
رده بندی کنگره: ۱۳۹۰ ع ۸ م ۱۷۱۸/ PIR
رده بندی دیویی: ۰/۰۶۹ فا ۸
سامانه کتابشناسی ملی: ۲۴۲۲۴۹۸



عناصر داستانی در چند متن فارسی میانه

مؤلف: بیده فاطمه موسوی
ناشر: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
مدیر نشر: ناصر زعفرانی
ناظر چاپ: مجید اسماعیلی نازع
امور فنی: عرفان بهار دوست
حروفنگار و صفحه‌آرا: عطالله کویانی
طرح و اجرای جلد: اعظم صادقیان
چاپ اول: ۱۳۹۰
تیراژ: ۵۰۰ نسخه
چاپ و صحافی: پردیس دانش
ردیف انتشار: ۹۰-۳۷
بها: ۴۵۰۰ تومان

حق چاپ برای پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی محفوظ است.

ISBN 978-964-426-517-4

شابک ۵۱۷-۴-۹۶۴-۴۲۶-۹۷۸

نشانی: تهران، صندوق پستی: ۱۴۱۵۵۶۴۱۹، تلفن: ۸۸۰۴۶۸۹۱۰۳، فاکس: ۸۸۰۳۶۳۱۷

ح عناصر داستان در چند متن فارسی میانه

۱۲۵..... فهرست نام‌های خاص

۱۲۷..... کتاب‌نامه

www.ketab.ir

فهرست مطالب

ط.....	کوتاه‌نوشت‌ها.....
ک.....	فهرست نمودارها.....
۱.....	پیشگفتار.....
۵.....	سیری اجمالی در ادبیات فارسی میانه.....
۸.....	عناصر داستان.....
۲۷.....	کارنامه اردشیر بابکان.....
۴۶.....	خلاصه.....
۵۰.....	یادگار زریر.....
۷۰.....	خلاصه.....
۷۳.....	گزارش شترنج.....
۸۱.....	خلاصه.....
۸۴.....	زردشت و گشتاسب از روایت پهلوی.....
۹۴.....	خلاصه.....
۹۶.....	روان گرشاسب از روایت پهلوی.....
۱۱۳.....	خلاصه.....
۱۱۶.....	سخن آخر.....
۱۱۹.....	اصطلاحات.....
۱۱۹.....	فارسی به انگلیسی.....
۱۲۲.....	انگلیسی به فارسی.....

فهرست نمودارها

۱۳	 ساختار هرم فری‌تاگ در داستان
۳۳	 هرم فری‌تاگ در کارنامه اردشیر بابکان
۵۴	 در یادگار زریر
۷۶	 در گزارش شترنج
۸۷	 در زردشت و گشتاسب
۱۰۰	 در روان گرشاسب

کوتاه‌نوشت‌ها

Glossary of Literary Terms	GL
Dictionary of Literary Term	DL
Dictionary of World Literary Terms	DWLT
Encyclopedia of Literature and Criticism	ELC

www.ketab.ir

تاریخی، حماسی و ملی دانست که از بستری حقیقی بهره جست‌ه‌اند.

این پژوهش با قصد بررسی متن‌های فارسی میانه به مثابه داستان که بخشی از ادبیات ایران دوره ساسانی است، انجام شده‌است. پژوهشی با چنین پیش‌فرض‌هایی تاکنون صورت نگرفته‌است. تنها، روان‌شاد استاد دکتر احمد تفضلی در کتاب *تاریخ ادبیات ایران پیش از اسلام* به مایه‌های داستانی برخی از این متن‌ها اشاره کرده‌است. دلیل این امر آن است که بیشتر تلاش پژوهشگران پیشین صرف به دست‌دادن ترجمه‌های روان و درست از متن‌ها شده‌است. اکنون که چنین ترجمه‌هایی از بیشتر متن‌های فارسی میانه در دست است، وقت آن رسیده که به جنبه‌های ادبی و داستانی این متن‌ها نیز توجه شود و ویژگی‌های آنها تا حد امکان مشخص گردد.

پس از بررسی اجمالی این متن‌ها، نگارنده ساختار *کارنامه اردشیر بابکان*، یادگار زریر و گزارش شترنج را بیشتر از ساختار دیگر متن‌ها روایی یافته‌است و در آخر دو روایت از روایت پهلوی به آن افزوده تا این گونه فضای نمونه خود را گسترده‌تر کرده و متن‌های کوتاه با رنگ دینی بیشتر نیز در بررسی خود بگنجانند.

عناصر داستانی، به طوری که امروزه تعریف شده‌اند، حاصل پژوهش منتقدان ادبی از دوران پیش از میلاد تاکنون هستند. آغاز این پژوهش‌ها را معمولاً با افلاطون می‌دانند که برای اولین بار به نظریه‌پردازی درباره ادبیات پرداخت. پس از او ارسطو، با تعریف «پیرنگ» و طرح ویژگی‌های آن، این سیر را پی گرفت و این سیر تا امروز ادامه یافته است. عناصری که در این پژوهش مطرح شده‌اند، شامل عناصر رایج، که در بیشتر کتاب‌های نقد ادبی، دایره المعارف‌ها و واژه‌نامه‌ها نیز آمده‌است، و همچنین برخی عناصر نظیر *کهن‌الگوها* است؛ که نگارنده به دلیل پیوند با بافت کهن، آنها را نیز به شمار عناصر داستانی افزوده‌است. در این بررسی تنها از عنصر *گفت‌وگو* چشم‌پوشی شده‌است، زیرا در دنیای باستان به آن توجهی نشده‌است.

در پژوهش حاضر، پس از اختصاص دو فصل اول و دوم به «سیری اجمالی در ادبیات فارسی میانه» و توضیح و تعریف «عناصر داستانی» پنج فصل دیگر به تحلیل داستان‌های مذکور پرداخته‌است. در دو فصل اولیه، مبنای کار جمع‌آوری اطلاعات و تعاریف بوده؛ حال آن‌که فصل‌های دیگر صرفاً به تحلیل داده‌های داستان‌ها بر اساس تعاریف فصل دوم پرداخته‌است. در پایان هر فصل نیز خلاصه کوتاهی آمده و در آن تحلیل‌های همان فصل

پیشگفتار

در ادبیات همیشه بحث‌های گسترده‌ای درباره مرز میان «حقیقت و داستان» وجود داشته است. این بحث‌ها برای یافتن تعریفی جامع از داستان و تفکیک تاریخ از داستان بوده است. درباره چرایی تفاوت تاریخ با داستان فورستر می‌گوید: اساس تاریخ بر شواهد و مدارک استوار است، «درحالی‌که انگای داستان بر شواهد و مدارک است به‌علاوه و منهای X. این کمیت مجهول حالت و طبیعت داستان‌نویس است، که تأثیر شواهد و مدارک را تعدیل می‌کند یا آن را پاک دگرگون می‌سازد». تاریخ‌نویس با اعمال کار دارد؛ و نیز خصوصیات اشخاص، آن هم تا جایی که از کردارشان استنباط می‌کند. او نیز مانند داستان‌نویس به خصوصیات و صفات افراد علاقه‌مند است، اما فقط از وجود این صفات آگاه می‌شود که بر سطح ظاهر پدیدار شوند. وظیفه داستان‌نویس این است که زندگی درون را در منشاء آن بر خواننده آشکار سازد.

داستان، به معنی روایتی منثور، پیشینه‌ای باستانی دارد و از یونان، هند، ایران و روم به صورت قصه و حکایت آغاز شده است. در این مفهوم پیچیده، تجربه‌های انسان در جنگ‌ها یا فعالیت‌های اجتماعی دیگر، ماجراجویی‌ها و ایده‌های اخلاقی به صورت داستان بیان شده است.

در متن‌های فارسی میانه روایت‌های منثور بسیاری دیده می‌شود. این روایت‌ها، که کمتر از نظرگاه داستان به آنها توجه شده است، همواره در مقایسه با حقایق تاریخی تفاوت‌هایی داشته‌اند. این تفاوت‌ها خوانندگان را بر آن داشته است تا آنها را، بی‌توجه به ساختار داستانی‌شان، تاریخی بر ساخته بدانند. حال آن‌که می‌توان آنها را داستان‌هایی

۴ عناصر داستان در چند متن فارسی میانه

همچنین مهربانی‌ها و همراهی‌های همسر، محمدمهدی مقیمی زاده، را سپاس گفته و چشم به فرداهای روشنی دارد که این خانواده کوچک و نوپا بتواند در راه خدمت به زبان و ادبیات ایران گام بردارد.

www.ketab.ir

جمع‌بندی شده‌است. سخن آخر، به تحلیل نتایج هر پنج داستان و جمع‌بندی کلی پرداخته و کوشش شده از این راه، تصویری از داستان‌پردازی در ادبیات فارسی میانه به دست دهد. در این مسیر، با مشکلات زیادی نیز روبرو بوده‌است. برای مثال، در تحلیل داستانها گاه، ناگزیر، بخش‌هایی از داستان مکرر آمده‌است. این مسئله که به تکرار در مضمون جملات منجر می‌شود، اجتناب‌ناپذیر بود؛ زیرا بایستی هر بار آن بخش با ساختار خاصی از جملات طرح شود، چنان که ارجاع به اشاره قبلی غیرممکن است. مثلاً در پیرنگ، بیشتر حوادث داستان بازگو می‌شوند. اما این حوادث با روندی علی و معلولی می‌آیند و در نتیجه ساختار جملات پیرنگ سببی است. حال آن‌که در تحلیل شخصیت‌ها نیز بسیاری از همین حوادث روایت می‌شوند؛ اما این بار جملاتی تحلیلی به کار می‌روند. و در این صورت نمی‌توان با استفاده از ارجاع به اشاره قبل، از تکرار اجتناب کرد.

مشکل دیگری که پیش روی انجام این پژوهش بود، تفاوت در خوانش متن‌های فارسی میانه است. این تفاوت که ناشی از شیوه نگارش زبان فارسی میانه است، گاه تحلیل‌های متفاوتی را از متن ممکن می‌سازد. در مواجهه با این شکل، خوانش‌های مختلف بررسی شده و معمولاً متأخرترین و مستدل‌ترین خوانش مبنای تحلیل قرار گرفته و باز هم هر جا که تصحیحی لازم بود، اعمال شده و در زیرنویس به آن اشاره گردیده‌است.

امید آن‌که دستاوردهای این پژوهش بتواند به هنر داستان‌نویسی امروز در شناخت چشمه‌های داستان‌نویسی ایران باستان و ویژگی‌های آن کمک کرده؛ مبنایی برای پژوهش‌های بیشتر در دیگر جنبه‌های ادبی ایران باستان نظیر روایت‌شناسی، جامعه‌شناسی ادبیات، سبک‌شناسی نثر فارسی میانه، نقد روانشناختی و نقد اسطوره‌ای آنها باشد.

پژوهش حاضر با اندکی تغییر از رساله کارشناسی ارشد نگارنده به علاوه یک فصل تکمیلی - که به بررسی روایت «روان گرشاسب» از روایت پهلوی پرداخته - حاصل شده‌است. از این رو، نگارنده خود را مرهون راهنمایی‌ها و حمایت‌های همیشگی و راه‌گشای استادان راهنما و مشاور این رساله، آقای دکتر محمدتقی راشدمحصل و خانم دکتر مهشید میرفخرایی، تعالیم و لطف بی‌پایان استاد بزرگوار دکتر محسن ابوالقاسمی و دکتر ابوالقاسم رادفر، و کلاس درس پهلوی خانم دکتر منظر رحیمی ایمن، که باخواندن برخی از متن‌های مجموعه حاضر ایده خام این پژوهش را در او ایجاد نمود، می‌داند.